

فقیر پروری

دولت احمدی نژاد

و در پناه فقرا

هدایت احمدی

مدتی است که صدا و سیما و بعضی از نشریات راست و بازار و نیز دولتیان نهم برای سر پوش گذاشتن بر گرانی های فزاینده و از زیر ضرب خارج کردن جمهوری اسلامی ایران و دولت نهم احمدی نژاد مدام این را مطرح می کنند که گرانی های موجود در ایران نتیجه گرانی های موجود در دنیا است. حتی صدا و سیما گزارش هایی از کشور های جهان از جمله کشور های جنوب شرقی آسیا تهیه دیده و پخش می کند که گرانی موجود در آن کشور ها را از زبان گزارشگرش بیان می کند، منجمله در اخبار ۹ شب سیما- ۸/۳/۸۷- با فردی از کره جنوبی مصاحبه شد که گفت قیمت ها در این کشور حدود ۵۰۰ در صد (۵ برابر) افزایش یافته است. راست و دروغ اش با صدا و سیما و خبرنگار اعزامی آن. اول اینکه گرانی ها در ایران تقریباً قابل مقایسه با هیچ کشوری نیست، بنزین ۳۰۰ در صد، مسکن ۱۰۰ تا ۵۰۰ درصد، پودر شوینده در قدم اول تقریباً ۱۰۰ در صد و.....

دوم اینکه مملکت ما ایران به قول احمدی نژاد "مملکت امام زمانی" است، چرا خودمان را با ممالک دیگر دنیا که امام زمانی نیستند مقایسه می کنیم؟

سوم اینکه چطور کشور های اروپایی و آسیایی اخ هستند ولی در مورد گرانی اخ نیستند و گرانی آنها را با آغوش باز وارد می کنیم؟ کمتر از آنها وارد کنید تا کمتر گرانی آنها وارد ایران شود. چطور مخالف تهاجم فرهنگی شان هستیم ولی با تهاجم وارداتی شان و گرانی شان کاری نداریم؟

بطور کلی سه گزینه برای اقتصاد ایران قابل تصور است:

گزینه اول: پیوستگی و وابستگی اقتصاد ایران به اقتصاد نئولیبرالیستی جهانی: در این حالت خود به خود هر مشکلی که برای اقتصاد های سرمایه داری جهانی پیش بیاید- از جمله بحران ها متناوب سرمایه داری جهانی- دودش مستقیماً به چشم اقتصاد ایران و مردم ایران می رود، با توجه به اینکه اقتصاد ایران زائده اقتصاد جهانی است از اقتصاد های دیگر از جمله امریکا و اروپا بیشتر صدمه می بیند. (عیناً شبیه اقتصاد قبل از انقلاب و نیز اقتصاد کنونی در ایران.)

بعنوان مثال گرانی و تورم آنها مستقیماً به ایران منتقل می شود و حتی بیشتر. اگر تورم در آن کشور ها ۲۰ درصد باشد در کشور ما حتماً ۵۰ درصد است.

گزینه دوم: عدم وابستگی اقتصاد ایران به اقتصاد جهانی: مسلماً در این حالت بحران های اقتصاد جهانی بر روی ایران تقریباً بی اثر خواهد بود.

نکته: البته بر پایه فرمایشات دست اندر کاران جمهوری اسلامی ایران اقتصاد ایران بیشتر شبیه گزینه دوم است ولی در عمل اقتصاد ایران شدیداً وابسته و شبیه گزینه اول می باشد.

گزینه سوم - اقتصاد جمهوری اسلامی ایران منطبق بر اهداف انقلاب اسلامی ۱۳۵۷: جمهوری اسلامی ایی که باید و می بایستی محصول انقلاب اسلامی سال ۵۷ باشد، می تواند در عین حال که با اکثریت کشور ها رابطه متقابل منطبق بر منافع دو طرف دارد به علت

استقلال نسبی که دارد در مقابل طوفان های جهانی- گرانی و تورم و نوسانات کالا ها بیشترین مقاومت را داشته باشد و کمترین صدمه را از آن ببیند. مشخصات مهم چنین اقتصادی می تواند به قرار زیر باشد.

- رونق تولیدات داخلی و ملی و خود کفایی نسبی نسبت به زمان شاه : خود کفایی نسبی یکی از شعار های اصلی و پایه ای انقلاب اسلامی ۵۷ بوده است. چون یکی از شعار های دولت شاهنشاهی " نابودی تولید ملی و تولیدات داخلی" جهت وارد کردن هر چه بیشتر تولیدات امریکایی و اروپایی بود بالطبع شعار انقلاب بایستی عکس آن می بود -- که بود- یعنی " رونق هر چه بیشتر تولیدات ملی و تولیدات داخلی"

بعبارت دیگر شعار انقلاب درست عکس شعار دولت کنونی ، و دفاع بی چون و چرا از تولید کنندگان داخلی و تبدیل حکومت دلال شاهنشاهی به حکومت ملی و تولیدی بود. در ضمن یکی از مزایای تولیدات ملی و داخلی این است که دیگر بازاریان و دولتیان و حکومتگران نمی توانند گناه گرانی و تورم را به گردن کشور های خارج بیاندازند. مجبور هستند پاسخگوی مردم باشند .

- کنترل و سر سامان دادن به واردات از جمله واردات بی رویه : شعار " واردات، واردات، همه اش واردات" ^۱ دولت قبل از انقلاب (دولت شاهنشاهی) با شعار " ۲۰۰ میلیارد دلار واردات" ^۲ احمدی نژاد چه فرقی با هم دارد؟ حتما خواهید گفت که هیچ؟ در صورتی که شعار انقلاب و انقلابیون ۵۷ " کنترل واردات به ویژه واردات بی رویه" بوده است، بنابراین شعار دولت کنونی با دولت انقلاب از زمین تا آسمان با هم فرق دارد .

نکته یکم : مزایای واردات ۲۰۰ میلیارد دلاری دولت نهم : اول اینکه از بابت واردات بازاریان و دلالان و میدان داران و بانکداران و وابستگان دولتی آنها می توانند میلیارد ها تومان (دلار) ثروت اندوخته کنند و دل بانک های دویی و سوئیس و امریکا را شاد کنند.

دوم اینکه هر وقت مردم از دست اندر کاران حکومتی و دولتی از بازاریان و اصناف محترم! بازار علت گرانی و تورم را جویا شدند می توانند آنرا به گردن خارجیان و جن و پری های خارجی بیاندازند.

نکته دوم : مزایای مردم فقیر و نیازمند برای رهبران دولتی و غیر دولتی در جمهوری اسلامی ایران :

سیاست " نا بودی تولیدات داخلی و تولیدات ملی"، " واردات، واردات، همه اش واردات" مزایای زیادی علاوه بر موارد فوق برای احمدی نژاد ها دارد: یکی از مزایای آن این است که بر اثر " نابودی تولید" و " واردات بی رویه و افسار گسیخته" تمام بنگاه ها و مراکز تولیدی تعطیل می شود ، عده زیادی از کارگران و کشاورزان بیکار می شوند، سپس به فقر می افتند و افراد نیازمند و محتاجی می شوند. مسلما مردم فقیر و نیازمند بیشتر دور احمدی نژاد و احمدی نژاد ها جمع می شوند زیرا فکر می کنند که دست بوسی رفتن و مجیز مسئولین مملکتی را گفتن می تواند مشکلاتشان- حداقل تعدادی از آنها- را حل کند و شغلی و زندگی بخور و نمیری برایشان جور شود.

^۱ نقل قول آیت الله خامنه ای از یکی از نمایندگان مجلس شاهنشاهی. سخنرانی در جمع دانشجویان استان یزد در سفر اخیر به استان یزد.

^۲ شعار احمدی نژاد در جمع اخیر طلاب حوزه علمیه مشهد.

خب حالا بر اثر سیاست های مردمی نیازمندان کم بشوند آن وقت چه کسانی در سفر های استانی و غیر استانی دور احمدی نژاد ها جمع بشوند؟
مردم ایران! به احمدی نژاد و دولت نهمی ها حق بدهید که زیاد نباید از تولیدات داخلی دفاع کنند و واردات را کم کنند. زیرا مردم به شغلی و زندگی می رسند. مردم ایران باید بیشترشان مستمند و فقیر باشند تا بتوانند راحت تری برکولشان سوار شد.

راه توده ۱۷۹ ۰۲,۰۶,۲۰۰۸

راه توده